

سید محمدعلی موسوی خاکی	
<div><b>صاحب‌امتیاز:</b></div> <div> <p>مؤسسه مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز</p> <div><div><span><span></span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div><b>مدیر مسئول:</b></div></div></div></div>مازیار هوشمند</div></div>	
<div><div><span><span></span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div><b>سر دبیر:</b></div></div></div></div>علی هوشمند</div>	
<div><div><span><span></span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div><b>مدیر گرافیک:</b></div></div></div></div>فاطمه فیضلی</div>	
<div><div><span><span></span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div><b>صفحه آرا:</b></div></div></div></div>محمد عباسی</div>	
<div><b>نشانی دفتر مرکزی:</b> پوشهر-خیابان طالقانی-بعد از پمپ بنزین وزیری-ساختمان شاتل – طبقه اول-واحد ۲</div>	
<div><b>تلفن:</b></div>	
<div><b>فکس:</b></div>	۰۹۱۷۶۶۰۵۵۲
<div><b>نمابر:</b></div>	۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱
<div><b>پست الکترونیکی:</b></div>	payameasalooye@gmail.com
<div><b>وبسایت:</b></div>	p.asalooye@gmail.com <p>payameasalooye.ir</p>
<div><b>چاپ:</b> شاخه سبز</div>	

این نامه اخلاق حرفه ای روزنامه پیام مسلولیه را در payameasalooye.ir بخوانید

شماره ۱۹۵۴ ◀ یکشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۴۰۱

**رتبه ۴ امتیاز ۴۳/۲**

## یادمان

## روایت شیرین مرحوم دعایی از

## علت مهاجرتش به عراق



مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعایی در خاطرات خود به علت مهاجرتش به عراق اشاره کرده که خواندنی است.

همزمان با برگزاری جشنهای تاجگذاری شاه، دوستداران امام خمینی (س) اعلامیه ای به نام «عرایی به نام جشن» تهیه کرده و در اختیار مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعایی گذاشتند. وی این اعلامیه را در ده هزار نسخه چاپ کرد و با خود به تهران آورد تا با شرایطی ویژه توزیع کند که یکی از افراد دخیل به وسیله ساواک دستگیر شد. مرحوم دعایی در این گفت و گو به علت خروج خود از کشور پرداخته که در ادامه مطلب به آن اشاره شده است: در جریان توزیع این اعلامیه ها، یک نفر توسط ساواک دستگیر شد. او روحانی متواری در تهران را که آقای مرتضوی نامی بود لو داده بود. البته آقای مرتضوی اسم من را نمی دانست، چون وقتی من وارد منزل ایشان شدم خودم را موسوی معرفی کردم. فقط آقای هاشمی از موسوی واقعی من مطلع بود. آقای هاشمی هم لو رفته بود. آقای مرتضوی تحت شکنجه، ناگزیر اسم و مشخصات ما را داده بود. البته آقای هاشمی توضیحات خوبی داده بودند و گفته بودند که یک روحانی از قم آمد و گفت ما می خواهیم کار بکنیم، من هم آقای مرتضوی را به ایشان معرفی کردم و از اهمیت کار و اقدامات آنها آگاه نبودم. به هر حال ساواک به شدت دنبال یک نفر موسوی نام کرمانی بود. در یک اقدام همگانی هر چه موسوی شناخته شده بود، دستگیر شد. حتی یک آقای موسوی بود که کرمانی و طرفدار آقای شریعتمداری بود، او را هم دستگیر کرده بودند. او گفته بود شما حتی دوست و دشمن خودتان را تشخیص نمی دهید. من در قم بودم که دیدم هر چه موسوی هست دارند می گیرند. دوستان من متوجه شدند که امکان دستگیری من هم هست بنابراین به خاطر این که من و آن کانون های مقاومت و مبارزاتی که من با آنها در تماس بودم در امنیت بمانند خواستار هجرت من به عراق شدند. علی الخصوص آقای هاشمی از زندان پیغام دادند که به فلانی بگویید به هر قیمتی که هست از ایران فرار کند. من دو سفر به عراق داشتم. یک سفر وقتی بود که احساس کردم به نوعی مسئولین امنیتی و ساواکی ها دنبال من اند و کم مانده است به دسته هایی که من در آنها قرار داشتم نزدیک شوند. برای این که مدتی از چشم آنها دور باشم و به نوعی به آرامش دست یابم و از طرفی هم به علت شوق و اشتیاق زیادی که به دیدار امام و همچنین زیارت اعتبار مقدسه در کربلا و نجف داشتم، اقدام به مهاجرت به نجف کردم. در سفر چند ماهه به عراق یک کارت شناسایی تهیه کرده بودم که به اصطلاح عربی به آن هویه می گفتند. این کارت را از مدرسه ای در نجف تهیه کردم. چرا که در دوران تبعید امام به نجف، مسئولان مدراسی که در نجف بودند کارت شناسایی برای شاگردان صادر می کردند. این کارت برای تردد من به عراق می توانست نوعی مجوز باشد و در بزرگراه ها و معابر مورد استفاده قرار گیرد. البته یک برگه هویت رسمی و دولتی نبود. کارت هویت من مربوط به مدرسه مرحوم آقای سید عبدالله شیرازی در نجف بود که به دلیل ساده زیستی آن مرحوم و نوع ارتباطی که با مبارزان داشت، تهیه کارت شناسایی این چنینی را برای دوستداران و طرفداران امام یا ایرانی هایی که قاچاق وارد عراق می شدند بر عهده می گرفت. این کارت را من داشتم.

به دنبال قضیه دستگیری آقایان مرتضوی و هاشمی رفسنجانی که شرح آن را گفتم دیگر مطمئن شدم که ساواک به شدت دنبال من است و وظیفه دارم که از ایران خارج بشوم.

برشی از کتاب گوشه ای از خاطرات حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعایی؛ ص ۷۰-۷۲

## یادداشت

## مرا به دعایی به یاد آور!



امید زاهد

برای شادروان سید محمود دعایی نگارنده این سطور یک دهه شصتی در دهه چهل زندگانی خود است که برای نوشتن درباره سید محمود دعایی و درس‌هایی که مرام و مسلک او به ما و آینده تاریخ ایران می‌دهد، قلم فرسایی می‌کند. با این اوصاف توصیفات نگارنده البته بر صاحب و انصار و یمین و یسار، پر واضح و مبرهن است و بیشتر توضیحات واضحات به شمار می‌رود و شما تنها به یادآورید نماز گذاردن سید محمود دعایی بر پیکر بزرگانی که هر یک قدر و قیمتی در جامعه سیاسی و فرهنگی و هنری ایران داشته و دارند و هر صاحب اندیشه و فکری را به قدر و قیمت دانستن و شمردن و از قبل آن به جان خریدن هرگونه برداشت و فهمی از این حرکات و سکنتا و چشم پوشی و اغماض در مطبوعات و رسانه و سوار بر کشتی حیران و ویران سیاست شدن و در غرقاب عذاب نیفتادنش کاری بس شگرف بود که واقعا نمره بالایی را برای این پیر روشن ضمیر ۸۱ ساله باید کنار گذاشت. همین که در مرام و مسلک او چه بر پیکر یک نفر از جبهه ملی و یا یک نفر توده ای و یا یک نفر هنرمند محبوب و سرشناس، نماز بگذارد و حرمت و احترام که برای انسانیت قائل بود، به نظرم خودش بالاترین درس است. فراموش نکنیم همه ما ایرانی هستیم و برای وطن و میهن که با هم سر جنگ نداریم. اختلاف ها را بی‌بیزیریم و برای دیدگاه های مختلف احترام قائل باشیم. که به قول حافظ:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا
به باید دانست که امروز برخی اقشار اگر به حفظ جایگاه معنوی خود در جامعه ایرانی امید دارند، این شکل و مرام و مسلک شخصیت هایی همچون مرحوم دعایی ها را سرلوحه قرار دادن بر این انگیین بیفزاید وگرنه شوری و تلخی به بار آرد و تلخ‌کامی! با این وجود به یاد آر شمع مرده و شمع های مرده را! چراغ‌ها و فانوس‌های خاموش گشته را! بر کسی پوشیده نیست امروز به این فرهنگ روداری و مردم داری بیش از هر زمانی نیاز داریم. به هر ترتیب اگر زعمای قوم با این اندیشه و مکتب مرحوم دعایی نخواهند کشور را اداره کنند از طوفان‌های خانمان سوز بی بهره نخواهند بود و داشته‌ها و کاشته‌ها، همه یک شبه بر باد فنا روند! شما انقلاب آوردید که آینده را بهتر و زیباتر کنید در حالی که هر چه پیش می‌رویم زیبایی‌های گذشته بیشتر به چشم می‌آید!

اگر ما نسل‌های انقلاب ۵۷ هستیم که باید قاعدتا باشیم این هتک حرمت‌ها به حریم شخصیت‌ها امری نگوئیده است آنچه امروز در جامعه رخ می‌نماید!
چهرهای نیست که از ایران و ایرانی بازتاب دارد!اگر به ماندگاری و جاودانگی انقلاب ۵۷ باور و ایمان دارید بر خدمت به خلق پافشاری کنید و بر همان اندیشه و مسلک امثال مرحوم دعایی استوار باشید! وگرنه دولت‌های قبل از انقلاب هم مثل دولت‌های بعد از انقلاب چه فرقی دارند! فساد هست قیلا هم فساد بود و باز هم خواهد بود. دینداری قبل از انقلاب بود حالا هم هست. اسلام قبل از انقلاب بود الان هم هست شاید کمی ناپ‌تر شده باشد! مردم همان مردم هستند! ایرانی اسلامی و خدادوست و خداپاورا لطفا شخصیت‌هایی مثل مرحوم دعایی را به یاد آوردید و او را فراموش نکنید! صدای آه و فغان‌ها را بشنوید نگذاردی آهی به آسمان برود که همه چیز را در لحظهای از خود ببرد. که به قول سعدی علیه الرحمه:
زورمندی مکن بر اهل زمین/ تا دعایی بر آسمان نرود…
به هم بر مکن تا توانی دل/ که آهی جهانی به هم برکند.

# کتابخانه

## کتاب «پیش خودمان بماند» منتشر شد

کتاب «پیش خودمان بماند» نوشته سید محمد میر موسوی توسط انتشارات سروش منتشر شد.چاپ نخست کتاب «پیش خودمان بماند» نوشته سیدمحمد میر موسوی توسط انتشارات سروش منتشر و روانه بازار نشر شد.در بخشی از معرفی این کتاب می‌خوانیم:«هنوز بعضی‌ها ول‌کن ماجرا نیستند و نمی‌گذارند آن خاطره تلخ و اندکی هم شیرین از یادم محو شود. هرچه بود گذشت. آن روز، هم رئیس کفری شده بود و هم دوستان و اقوام. خوب من چه تقصیری داشتم؟! مگر نقشه‌ای کشیده بودم یا خبر داشتم؟! آن‌هایی که خبر نداشتند، می‌گفتند که چقدر خل‌وچل بودی باز تو. اما واقعیت را نگفتم. تقصیر را نیاپنداختم گردن کسی! گفتم بماند تا قیامت! بین من و خدا! همیشه می‌گفتم خودم دوست نداشتم. چون این‌جوری بهتر بود و آبروی همه حفظ می‌شد.حالا هم پیادمروی و سختی راه در آن هوای گرم و سوزان پیرم را در آورده بود. یکی گفت: «من آن روز تو را دیده بودم. برای خودت کسی بودی! دور و اطرافت می‌چرخیدند مثل ژنرال‌ها اسکورت می‌کردند!» یکی دیگر با ریشخند گفت: «چه گندی زدی مگر؟» فکر این یکی را نکرده بودم. چه حرف‌ها که نگفتند. خوب بگویند. زبان مال مردم است.»این‌کتاب با ۲۰۲ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۸۰ هزار تومان عرضه شده است.

## خبر

## قدید مهلت ارسال مقالات همایش ملی خلیج‌فارس

بنیاد ایران‌شناسی با توجه به استقبال گسترده اساتید، پژوهشگران، کارشناسان و دانشجویان گرمای از همایش ملی خلیج‌فارس و درخواست‌های مکرر نسبت به تمدید مهلت ارسال مقالات، تاریخ برگزاری و مهلت ارسال مقالات این همایش را تمدید کرد.

بر طبق اعلام دبیرخانه همایش ملی خلیج‌فارس؛ زمان برگزاری همایش در تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱ و مهلت ارسال متن کامل مقالات (چکیده به همراه اصل مقالات) تا پایان شهریور ماه تمدید شد. همچنین با اعلام حمایت پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و پایگاه استنادی سیولیکا (CIVILICA) از همایش ملی خلیج‌فارس، کلیه مقالات در این پایگاه‌های استنادی نمایه خواهند شد. شرکت‌کنندگان می‌توانند با اطمینان کامل، مقالات خود را در این همایش ارائه نموده و از امتیازات علمی این همایش و دریافت گواهی آن بهره‌مند شوند.بنیاد ایران‌شناسی در ادامه مجموعه همایش‌های خود در حوزه ایران‌شناسی و مطالعات خلیج‌فارس، همایش ملی خلیج‌فارس را با محوریت «جزایر و کرانه‌های خلیج‌فارس در گسترهٔ تاریخ، فرهنگ و تمدن»، ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱، برگزار می‌کند.

علاقه‌مندان جهت ارسال مقالات و شرکت در همایش ملی خلیج‌فارس می‌توانند به سامانه همایش به آدرس: https://province.iranology.ir/persiangulf مراجعه نموده و برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه مشارکت در این رویداد مهم ملی با دبیرخانه همایش به شماره ۰۸۹۳۱۸۸۶۰۲ تماس حاصل نمایند.

## پیشخوان

## شماره بیست و دوم مجله

## سیاست‌نامه منتشر شد



شماره جدید مجله سیاست‌نامه با تصویری از جوادطباطبایی و داود فیرحی منتشر شد. بهانه تصویر روی جلد این شماره از نشریه انتشار کتاب «مفهوم قانون در ایران معاصر» نوشته داود فیرحی است.شماره جدید مجله سیاست‌نامه با تصویری از جوادطباطبایی و داود فیرحی منتشر شد. این دو استاد علم سیاست در سال‌های اخیر از دو منظر حقوقی و فقهی به اندیشه سیاسی در ایران نظر افکنده و تاملات خود را به عنوان بخشی از تولیدا ت علوم سیاسی ایرانی منتشر کرده‌اند. سیاست‌نامه با گرمیداشت یاد و خاطره فیرحی، پرونده اصلی خود را به بهانه انتشار کتاب «مفهوم قانون در ایران معاصر» به بحث نسبت حقوق و سیاست (حقوق عمومی) اختصاص داده است. در این پرونده علاوه بر انتشار گزارش دو سخنرانی جواد طباطبایی و داود فیرحی، مطالب و مباحثی از ابوالفضل دلاوری، فردین مرادخانی، رضا یعقوبی و فیروز محمودی منتشر شده است.

سیاست‌نامه بیست و دوم با سرمقاله‌ای به قلم حکمت‌الله ملاصلحی استاد دانشگاه تهران «فصل بادهای سقّی» آغاز می‌شود.

از پرونده‌های دیگر شماره بیست و دوم سیاست‌نامه پرونده فلسفه حقوق است که در آن احمد نقیب‌زاده رئیس شورای علمی مجله مطلبی با عنوان «امتناع دولت حقوقی» نوشته است. «مشروطه به مثابه حقوق» نیز عنوان مطلبی از شیرین نائف پژوهشگر دانشگاه زوریخ در همین پرونده است. حبیب‌الله فاضلی استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران هم مقاله‌ای از بودوین باکرت تحت عنوان «حقوق، سیاست است» در این پرونده ترجمه کرده است. گزارش جدیدترین مقاله مارتین لاگلین با عنوان «چرا کارل آشمیت بخوانیم؟» آخرین مطلب این بخش به شمار می‌رود.

سید ناصر سلطانی استادیار دانشگاه تهران و عضو شورای علمی سیاست‌نامه در بخش یادنامه پژوهشی انتقادی درباره اندیشه سیاسی رضا براهنی با عنوان «سلاخی تاریخ ایران در مسلخ کمونیسم» نگاشته است. سیاست‌نامه گفتگویی مفصل درباره زندگی و کارنامه علمی الهه کولایی نیز با او داشته که متن کامل آن در بخش دیدار منتشر شده است.

از دیگر بخش‌های شماره بیست و دوم سیاست‌نامه بخش جستار است که در آن دو مقاله مفصل از امیر برهان با عنوان «ایران» و «شهر: گسست و تداوم» و مهدی روزخوش با عنوان «گذار از وطن پیشاملی به وطن ملی» منتشر شده است. مقاله نخست درنگی در تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری ایرانی است و مقاله دوم برآمنن مفهوم نوآیین وطن در رمان تاریخی سیاستنامه ابراهیم‌پیکر در ادبیات مشروطه را مورد تدقیق قرار می‌دهد.

بخش درسگفتار از دیگر بخش‌های مجله است.

در این بخش فرهنگ رجایی استاد شناخته شده علم سیاست در آمریکای شمالی، بخش

نخست درس‌گفتار چیستی دانشگاه خود را با

عنوان «جمهوری خردوزران» برای نشر در اختیار

سیاست‌نامه قرار داده است. بخش اول درس‌هایی

از حقوق بین الملل برای ایران با عنوان «مشکله

حق تعیین سرنوشت و جدایی خواهی» نیز به قلم

حیدرعلی تیموری استادیار دانشگاه تهران در بخش

درسگفتار آمده است.

در بخش ترجمه متون متفکران مشهوری برای نخستین بار در سیاست‌نامه ترجمه و عرضه شده است. نخستین مطلب مقاله ارنست کاسیرر درباره رومان‌تئیسیم و سرآغازهای علم انتقادی تاریخ است که با عنوان «نظریهٔ ایده‌های تاریخی: نیبور، ران که، همبولت» توسط یدالله موقن مترجم سرشناس ترجمه منتشر شده است. دومین مطلب گزیده‌ای از فصل سوم کتاب درباب جاریت اثر لئو اشتراوس است که با عنوان «جبارها و حکماء توسط یاشار جبرانی و شروین مقیمی به فارسی برگردانده شده است. فقرهای از کتاب حکومت بر یهودیان توماس آکوئیناس با عنوان «سیاست‌نامه‌نویسی مسیحی» نیز سومین مطلب این بخش است که توسط سعید ماخانی ترجمه شده است.

علاوه بر اینها در بخش یادداشت مطالبی از حسن انصاری، روح‌الله اسلامی و رسول جعفریان درباره نسخه‌شناسی نهج‌البلاغه و همچنین تحلیل تاریخی و سیاسی این رساله شیعی آمده است. مصطفی محقق داماد، شهید اعوانی، رضا یادگاری، رضا کدخدازاده، محمود فاضلی، مهدی زیبایی و جواد رنجبر درخشیر و محمدمهدی از دیگر نویسندگان بخش‌های دیگر مجله به شمار می‌روند. بیست و دومین شماره سیاست‌نامه با ۳۴۰ صفحه و قیمت ۹۰ هزار تومان توسط گروه مطبوعاتی هم‌میهن منتشر شده است.

## خبر

## پیکر مهدوی دامغانی به ایران منتقل می‌شود

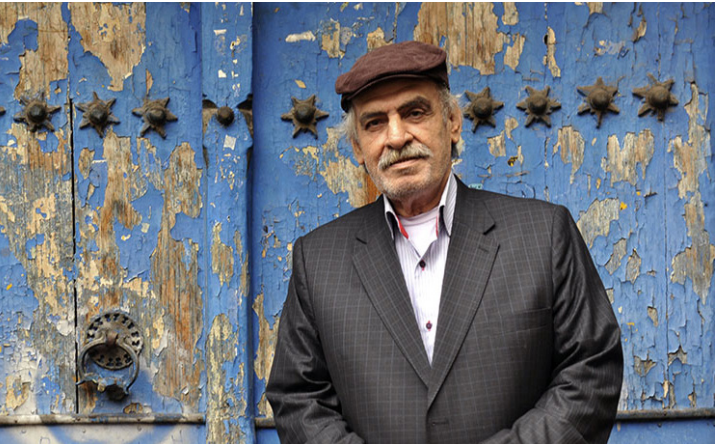


پیکر احمد مهدوی دامغانی برای تشییع و خاکسپاری در حرم امام رضا (ع) به ایران منتقل خواهد شد.
به گزارش ایسنا، فرزند این نویسنده، پژوهشگر و مصصح فقید با اعلام این خبر در صفحه‌ای به نام مهدوی دامغانی نوشت: «پیکر پاک پدر عزیزم به زودی به ایران خواهد آمد تا در حرم مطهر ارباب، سرور و ولینعمتشان حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به خاک سپرده شوند.»

احمد مهدوی دامغانی متولد ۱۳ شهریور ۱۳۰۵ مشهد بود که ۲۷ خرداد ماه در ۹۵ سالگی در آمریکا درگذشت.از او می‌توان به «از علی آموز اخلاص عمل»، «رساله درباره خصر»، «شاهدخت والاتبار شهریانو»، «در باغ روشنایی» «گزیده واعظ از مجموعه مقالات او هستند.

# تأثر

## قلندر متأثر از بیمارستان مرخص شد



ضعف شدید به بیمارستان مراجعه، آزمایشات لازم را انجام داد و به تشخیص پزشک بستری ادا کند، احساس کرده است.

از دیدن تعزیه محلات مختلف پوشهر شروع کرده و تا شاهنامه‌خوانی و نقش‌دادن به بچه‌های کوچه و وادارکردن آن‌ها به بازی تئاتر ادامه داده است.

بعدت‌رها زمانی که دانشجویی غریب در شهر امام غریب می‌شود، آشنایی با دکتر شریعتی و بازی در نمایش تک‌پرسوناژ «بار دیگر ابودره» طرح «قلندرخونه» را در ذهنش کلید می‌زند و این چنین بزرگی ایرج صغیری از دل جغرافیای کوچک بر همگان هویدا می‌شود.

یک هفته‌ای بود که ایرج صغیری، مرد شماره یک تئاتر آیینی ایران در بیمارستان سلمان فارسی پوشهر بستری و تحت درمان بود.

اقلیمای صغیری فرزند ایراج صغیری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: پدر، شنبه هفته گذشته با علانم

# خبر

## نشان درجه یک هنری برای پدر شهیدی که از

## شجریان، آواز خواندن را آموخت



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشان درجه یک هنری را به حسینعلی شبانپور، چوپانی که بدون کودکی به خواندن علاقه‌مند می‌شود و چندین سال بعد، با گوش سپردن به صدای محمدرضا شجریان، آوازخوان شد، اهدا خواهد کرد.
شبانپور و خودآموخته آواز ایرانی رفت.
این هنرمند ۸۶ ساله که به کار شبانی و چوپانی مشغول است، در بیان‌های واقع در ۱۰ کیلومتری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشان درجه یک

هنری را به حسینعلی شبانپور، چوپانی که بدون

کودکی به خواندن علاقه‌مند می‌شود و چندین

سال بعد، با گوش سپردن به صدای محمدرضا

شجریان، آوازخوان شده است، اهدا خواهد کرد.

شبانپور و خودآموخته آواز ایرانی رفت.

این هنرمند ۸۶ ساله که به کار شبانی و چوپانی

مشغول است، در بیان‌های واقع در ۱۰ کیلومتری

صندوق اعتباری هنر هم بهره‌مند شود.»